

آیین‌های مذهبی - جشن‌های ملی

موضوع آتش و اهمیت آن در بین ملت‌های مختلف جهان، چیزی نیست که فقط در فرهنگ ایران زمین و سنت‌های دیرپای این قوم کهن‌سال ریشه داشته باشد!

چنان‌چه به عناصر اربعه‌ی تشکیل‌دهنده هستی که مبنای حکمت و فلسفه‌ی بسیاری از خردورزان و فیلسوفان تاریخ فرهنگ و تمدن بشری بوده است، بیشتر توجه گردد، بسیاری از باورهای واپس‌گرایانه و اعتقادات خرافی موافق یا مخالف برگزاری جشن‌های سنتی، تغییر خواهد یافت.

تمام فلاسفه‌ی باستان به ویژه خردورزان یونانی که اصول حکمت و فلسفه از مدرسه و مراکز علمی آن جا برخاسته است، یک زبان گفته‌اند که اساس جهان هستی بر پایه‌ی پدیده‌های چهارگانه‌ی: آب، آتش، باد و خاک است. هم‌اینک، این نظریه با کم و بیش تغییر مورد قبول بسیاری از خردورزان گیتی است و تمام عناصر و پدیده‌های بعدی را به آن چهار عنصر اصلی وابسته دانسته و یا اعتقاد دارند که از ترکیب و تجزیه‌ی آن‌ها، عناصر دیگر به وجود آمده‌اند.

بنابراین احترام گذاشتن و مقدس شمردن این پدیده‌های چهارگانه در تمام فرهنگ‌ها وجود داشته و دارد. هر یک از عناصر چهارگانه‌ی مورد اشاره بر اساس اهمیت و نقششان در زندگی مورد توجه کمتر و یا بیشتر قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال نقش آتش در مقایسه با سه عنصر دیگر، نقشی اساسی‌تر و کارآمدتر است و به ناچار در کانون توجه قرار می‌گیرد.

اگر بپذیریم که آب، آتش، باد و خاک به عنوان پدیده‌های چهارگانه‌ی زندگی که اساس ماندگاری هستی را تشکیل می‌دهند، آفریده پرورگارند؛ پس احترام کردن، مقدس شمردن و راز و نیاز کردن با هر یک از عناصر هستی، بزرگداشت و شکرگزاری از نعمت‌های خدادای است و شکر نعمت بر هر انسانی واجب است.

بنابراین شکرگزاری از نعمت‌های پروردگار نمی‌تواند شرک، بت‌پرستی، کفر نامیده شود. احترام گذاشتن به آتش نه تنها

در فرهنگ و تمدن کهن ایران باستان رواج داشته، بلکه در بین هندوها، رومیان و بعدها مسلمانان از اعتبار بالایی برخوردار بوده است. فراموش نکنیم که در دین اسلام آتش یکی از مظهرات و یا پاک‌کننده‌ها است و نقش آن در زندگی خصوصی و اجتماعی انکارناپذیر می‌نماید.

در بین هندوها آتش از دیرباز مقدس بوده است. در نزد یونانیان آتش از احترام ویژه‌ای برخوردار بوده است. در بین بومیان آفریقا و مردم بومی قاره آمریکا و بسیاری دیگر از مردم نه تنها آتش را احترام می‌کرده‌اند، بلکه آن را مقدس شمرده و پرستش می‌کرده‌اند.

افروخته شدن مشعل‌های مختلف در صومعه‌ها، عبادت‌گاه‌ها و مراکز مذهبی از دیرباز رایج بوده و امروز شمع جای آن را گرفته است. آیا تاکنون با خود اندیشیده‌ایم که



چرا بسیاری از مردم گیتی که به یکتایی خداوندگار نیز اعتقاد راسخ دارند. مردگان خود را در شعله‌های سر به فلک کشیده آتش می‌سوزانند؟! آیا با خود اندیشیده‌ایم که روشن کردن شمع بر سر قبرها و مزار مردگان و مساجد و در ساختمان‌های متبرک برای چیست؟ و چرا بسیاری از مردم در هنگام روشن شدن چراغ‌ها پس از یک وقفه‌ی کوتاه مدت خاموشی، صلوات می‌فرستند؟

هم‌اینک در بسیاری از جشن‌های بزرگ ملی و مذهبی در سرزمین‌های مختلف و از جمله در سرزمین‌های اسلامی و کشور

خودمان، برپا کردن مراسم آتش‌بازی یکی از معمولی‌ترین شیوه‌های ابراز سرور و شادمانی است. اگر آتش بازی و یا پریدن از آتش و حفظ سنت‌های دیرپای ملی که باعث ماندگاری و جادوانگی یک قوم و ملت می‌شود، آتش‌پرستی و بت‌پرستی نام دارد، پس آتش‌بازی و آتش‌افروزی چندین صد هزار شاخه‌ای از فشفه‌های افشان چه نامیده می‌شود؟

به خاطر داشته باشیم که حفظ سنت‌های دیرین و احترام گذاشتن به رسم‌های کهن و باورکردن آداب و رسوم باستانی هر قوم و ملت، احترام گذاشتن به دموکراسی، آزادی، اعتقاد و باور مردم است و یکی شدن دولت‌ها و حکومت‌ها با مردم و شهروندانشان نام دارد.

پاسداری از آیین‌های مذهبی و نگاهداری از سنت‌های ملی، نوعی هم‌فکری و هم‌دلی و اتحاد بیشتر بین توده‌های مردمی می‌شود که هم به اعتقادات مذهبی خود وابسته‌اند و هم به سنت‌های ملی خود گره خورده‌اند. بدون تردید افراط و زیاده‌روی در هر یک از دو عنصر یاد شده، خرافات را در مذهب و شوونیسم را در سنت به وجود می‌آورد.

با احترام گذاشتن به آیین‌های مذهبی و مقدس شمردن مراسم دینی و سوگواری و تکریم به عقیده‌های مذهبی؛ به سنت‌های دیرپا و چندین هزار ساله‌ی چهارشنبه سوری، عید نوروز و جشن‌ها و اعیاد ملی نیز احترام بگذاریم و برپایی این سنت‌های مقدس مذهبی و ملی را در جای خود ارج بگذاریم. هم‌چنان که ژاپن، کره، چین، تایلند، مالزی، هندوستان، پاکستان، بومیان آفریقا، سرخ‌پوستان آمریکا، ملت‌های مختلف اروپا و سایر کشورهای جهان به سنت‌های مقدس مذهبی و ملی خود احترام می‌گذارند و باعث تحکیم وحدت حوزه‌های مردمی خود می‌شوند.

احترام گذاشتن به هر یک از حوزه‌های تعریف شده ملی و مذهبی در جای خود، وظیفه‌ی انکارناپذیر تمام مردم و شهروندان یک سرزمین می‌باشد.

«مجله‌ی فردوسی»